

[بررسی کلام مرحوم امام 1](#_Toc504187631)

[فرض مجهولی التاریخ 2](#_Toc504187632)

[دو مؤیّد برای مدعا 3](#_Toc504187633)

[الف. علم اجمالی به چرت قبل از وضو و خواب بعد از آن 3](#_Toc504187634)

[ب. تردد رطوبت بین جنابت دیروز و امروز 3](#_Toc504187635)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در کلام محقق حلی در استصحاب در توارد حالتین بود که توسط مرحوم امام بررسی شده بود.

##### بررسی کلام مرحوم امام

بحث در تفصیلی بود که عده ای از محققین در توارد حالتین ذکر کرده بودند. محصل کلام محقق حلی[[1]](#footnote-1) این بود که اگر حالت سابقه بر حالتین متضادین، مجهول باشد، استصحاب ها تعارض می کنند و اگر معلوم باشد، مطلقا اخذ به ضد حالت سابقه می شود. برای مثال اگر شخص می داند که ساعت 11 و 12 طهارت و حدثی برایش اتفاق افتاده است (بدون علم به تقدم و تأخر) و قبل از آن هم محدث بوده است اخذ به طهارت می کند، ولی اگر قبل از حالتین متضادین، طهارت داشته است، حکم به حدث می کند.

برخی دیگر مثل مرحوم شیخ نیز این کلام محقق حلی را نقل کرده اند. در قبال این کلام محقق، تفصیلی است که در کلام برخی مثل مرحوم امام داده شده است. ایشان در مورد فرض جهل به حالت سابق بر حالتین، هم نظر با محقق حلی شده اند. اما در مورد صورت علم به حالت سابقه، سه فرض را مطرح کرده اند:

الف. هر دو حالت متوارده، مجهولی التاریخ باشند.

ب. یکی از حالت های متوارده، معلوم التاریخ بوده و ضد حالت سابقه می باشد.

ج. یکی از حالت های متوارده، معلوم التاریخ بوده و موافق حالت سابقه می باشد.

در مورد فرضِ (الف) و (ب) مرحوم امام هم نظر با محقق هستند که اخذ به ضد حالت سابقه می شود، ولی در صورت (ج) هم نظر با مشهور هستند که استصحاب طهارت و حدث تعارض می کنند، در حالی که محقق در این صورت، به خاطر علم به انتقاض حالت سابق بر حالتین متوارده، استصحاب ضد آن حالت را جاری می­کند.

مثال فرضِ (ب) این است که حالت سابقه بر حالتین، حدث باشد و از میان دو حالت متوارده نیز، زمان طهارت معلوم باشد که مثلا هنگام زوال رخ داده است، ولی معلوم نیست که نوم قبل از زوال بوده است یا بعد از آن.

مثال فرضِ (ج) نیز این است که حالت سابقه بر حالتین، حدث باشد و از میان دو حالت متوارده نیز، زمان نوم، معلوم باشد که مثلا هنگام زوال رخ داده است، ولی طهارت معلوم نیست که قبل از زوال بوده است یا بعد از آن.

نظر مشهورِ بعد از محقق نیز این است که استصحاب ها در فرض (الف) و (ب) نیز تعارض می کنند.

پس نظر محقق حلی و مرحوم امام و مشهور را این طور می توان بیان کرد:

مشهور: تعارض استصحاب ها در فرض (الف) و (ب) و (ج)

محقق حلی: عدم تعارض استصحاب ها و لزوم اخذ به ضد حالت سابق بر حالتین در فرض (الف) و (ب) و (ج)

مرحوم امام: تعارض استصحاب ها در فرض (ج) و لزوم اخذ به ضد حالت سابقه در فرض (الف) و (ب)

مرحوم روحانی[[2]](#footnote-2) و برخی معاصرین نیز هم نظر با مرحوم امام هستند.

وجه اشتراک مرحوم امام و مشهور: فرض (ج)

وجه اختلاف ایشان با مشهور: فرض (الف) و (ب)

مرحوم امام وجه کلام خود در مجهولی التاریخ را این طور بیان فرموده اند:

###### فرض مجهولی التاریخ

اما نسبت به فرض مجهولی التاریخ، در جایی که علم به حدث در هنگام صبح وجود دارد و نیز علم به تحقق حدث و خواب در ساعت 11 و 12 وجود دارد (بدون علم به تقدم و تأخر این دو)، علم اجمالی به وجود خواب در زمان قبل یا بعد از وضو وجود دارد، لکن این علم اجمالی به معنای علم اجمالی به وجود حدث در زمان قبل یا بعد ازوضو نیست؛ چرا که در صورتی که خواب قبل از وضو، محقق شده باشد، حدث به وسیله خواب صبح، محقق شده است و دیگر با خواب جدید، یک حدث جدید، محقق نمی شود. خواب بعد از خواب، حدثی ایجاد نمی کند. به عبارت دیگر، خواب در صورتی موضوع حکم شرعی است که بعد از وضو، محقق شده باشد.

با توجه به این مطلب، یک علم تفصیلی به حدث صبح وجود دارد و یک علم اجمالی به خوابِ بعد یا قبل از وضو. نسبت به علم تفصیلی، قطعا (به علم تفصیلی) انتقاض به وسیله وضو صورت گرفته است. اما در مورد علم اجمالی باید گفت که این علم، انحلالِ حکمی پیدا می کند؛ چرا که یک طرف علم اجمالی (حدث قبل از وضو) معلوم بالتفصیل است و یک طرفش هم (حدث بعد از وضو)، مشکوک به شک بدوی است، پس در تحقق حدث بعد از حدث صبح، شک بدوی وجود دارد و این طور نیست که قطعا (و لو به علم اجمالی) یک حدثی بعد از حدث اول محقق شده باشد.

به عبارت دیگر، علم اجمالی به حدث قبل یا بعد از وضو، به خاطر علم به حدث هنگام صبح، منحل به یک علم تفصیلی به حدث صبح و یک شک بدوی در حدث بعد از وضو شده است.

پس نمی توان ادعا کرد که نسبت به عنوان حدث دوم، علم اجمالی وجود داشته و استصحاب این معلوم اجمالی در زمان شک، جاری است. لذا برای استصحاب ضد حالت سابقه بر حالتین، استصحاب معارضی وجود نخواهد داشت.

دو مؤیّد برای مدعا

ایشان برای تکمیل کلامشان، دو مؤیّد ذکر می کنند:

الف. علم اجمالی به چرت قبل از وضو و خواب بعد از آن

اگر کسی علم اجمالی داشته باشد که یا قبل از وضو، چرت زده است (که مبطل وضو نیست) و یا بعد از وضو خوابیده است، آیا در این صورت کسی توهم می کند که استصحاب حدث جاری است؟

این مثال از این جهت، مانند مورد بحث است که همان طور که چرت قبل از خواب به عنوان یک طرف علم اجمالی، اثر شرعی ندارد، در مورد بحث هم خواب قبل از وضو به عنوان یک طرف علم اجمالی، اثر شرعی ندارد، لذا همان طور که در مورد این علم اجمالی، استصحاب حدث جاری نیست، در آن جا هم استصحاب جاری نیست.

ب. تردد رطوبت بین جنابت دیروز و امروز

اگر مکلف روز جمعه غسل جنابت کند و سپس در روز شنبه، رطوبت جنابتی در لباسش ببیند که علم دارد یا از جنابت جمعه است یا جنابت جدیده ای از شنبه است، در این صورت، استصحاب طهارت جاری است، نه حدث؛ چون که نسبت به جنابت جمعه یک علم تفصیلی وجود دارد که قطعا با غسل جنابت، منتقض شده است و نسبت به جنابت شنبه، شک بدوی وجود دارد. به عبارت دیگر، با دیدن این رطوبت، علم اجمالی به حدث برای شخص، پیدا نمی شود. مرحوم خویی این صورت را به عنوان قسم رابع استصحاب کلی معرفی کرده اند.[[3]](#footnote-3)

1. [المعتبر فی شرح المختصر، محقق حلی، ج1، ص171.](http://lib.eshia.ir/10048/1/171/فرع) [↑](#footnote-ref-1)
2. [منتقی الاصول، روحانی، ج6، ص277.](http://lib.eshia.ir/13050/6/277/انحلال) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص118.](http://lib.eshia.ir/13046/3/118/الرابع) [↑](#footnote-ref-3)